

بررسی رابطه بین افسردگی و قلدری: نقش میانجی سبک‌های هویت

محمود شفیع‌زاده^۱، مهسا خان آرمویی^۲، پروین رفیعی‌نیا^۳

The relationship between depression and bullying: the mediating role of identity styles

Mahmood Shafizadeh¹, Mahsa Khan Armuii², Parvin Rafieinia³

چکیده

زمینه: پژوهش‌های متعددی به بررسی رابطه دوطرفه بین افسردگی، قلدری و سبک‌های هویتی پرداخته‌اند؛ اما پژوهشی که به بررسی رابطه بین افسردگی و قلدری با نقش میانجی‌گری سبک هویت پرداخته باشد مغفول مانده است. **هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین افسردگی و قلدری با نقش میانجی‌گری سبک هویت در دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم انجام شد. **روش:** پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان پایه دهم و یازدهم شهرستان دامغان در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ بود. ۳۵۰ دانش‌آموز با روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش حاضر عبارتند از: پرسشنامه افسردگی کودکان ماریا کواس (۱۹۸۵)، پرسشنامه استاندارد قلدری ایلی‌نویز (۲۰۰۱) و پرسشنامه سبک‌های هویت برزونسکی (۱۹۸۹). تحلیل داده‌ها با استفاده از ماتریس همبستگی انجام شد. **یافته‌ها:** رابطه بین افسردگی با متغیرهای قلدری و قربانی معنادار و مثبت داشت و رابطه بین سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد با قلدری و قربانی منفی و در مقابل رابطه بین سبک هویت اجتنابی با قلدری و قربانی مثبت بود ($P < 0/001$). همچنین مشخص شد افسردگی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم با میانجی‌گری سبک‌های هویت، متغیرهای قلدری و قربانی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین واسطه‌گری سبک هویتی را در رابطه بین افسردگی و قلدری تأیید می‌کند. **نتیجه‌گیری:** رابطه بین افسردگی و قلدری در دانش‌آموزان یک رابطه ساده نیست و این رابطه تا حدودی از طریق میانجی‌گری بعضی از عناصر مهم مانند سبک هویت شخص، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. **واژه کلیدی‌ها:** افسردگی، قلدری، قربانی، سبک‌های هویت

Background: Numerous studies have examined the two-way relationship between depression, bullying, and identity styles; But research that examines the relationship between depression and bullying and the mediating role of identity style has been neglected. **Aims:** The present study aimed to investigate the relationship between depression and bullying with the mediating role of identity in Secondary high school students. **Method:** This was a correlational study. The statistical population of the present study included all of tenth and eleventh grade students of Damghan city in the academic year of 2019-2020. 350 students were selected by random sampling. The present research instruments are: Per Eden (2000), the Illinois Bullying Standard Questionnaire (2001) and Brzonski's Identity Styles Questionnaire (1989). Data analysis was performed using correlation matrix. **Results:** The relationship between depression and bullying and victim variables was significant and positive, and the relationship between information identity style, normality and commitment with bullying and victim was negative, and the relationship between avoidant identity style with bullying and victim was positive ($P < 0/001$). It has also been shown that depression predicts both identity and indirect variables, bullying and victim variables, both directly and indirectly. Mediation also confirms the identity style in the relationship between depression and bullying. **Conclusions:** The relationship between depression and bullying in students is not a simple one, and this relationship is partly affected by the mediation of some important elements such as a person's identity style. **Key Words:** Depression, bullying, victimization, identity styles

Corresponding Author: mahmoodshafizadeh@semnan.ac.ir

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

^۱ M.A Student Of Clinical Psychology, Semnan University, Semnan, Iran (Corresponding Author)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

^۲ M.A Student Of Clinical Psychology, Semnan University, Semnan, Iran

^۳ استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

^۳ Assistant professor, Department Of Psychology, Semnan University, Semnan, Iran

پذیرش نهایی: ۹۹/۰۴/۰۹

دریافت: ۹۹/۰۳/۲۰

مقدمه

نوجوانی دوره بحرانی در زندگی انسان محسوب می‌شود و با تغییرات سریع تحولی همراه است که بر هویت، خود انگاره، سازگاری اجتماعی، سازگاری با مدرسه، پیامدها و انتخاب‌های دراز مدت نوجوان اثر می‌گذارد. در برخی از نوجوان‌ها تغییرات سریع این دوره رشدی، احتمال به وجود آمدن مشکلات سازگاری، هیجانی و رفتاری را افزایش می‌دهد (موری و زوواک، ۲۰۱۰)، همچنین اختلال‌های روانی و آسیب‌های اجتماعی مزمن معمولاً در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرند و شروع می‌شوند (هدلی، ۲۰۰۲). یکی از مشکلات سازگاری در دوره نوجوانی، قلدری است و به عنوان زیر مجموعه‌ای از رفتارهای پرخاشگرانه محسوب می‌شود، عبارت است از الگوهای پایدار رفتارهای آسیب‌زا و مزمن که در آن شخص به صورت عمدی و مکرر به دیگران حمله می‌کند و سایرین را کتک می‌زند یا به صورت کلامی آزار می‌دهد (ولک، دان و مارینی، ۲۰۱۴). افراد در بحث قلدری می‌توانند نقش‌های مختلفی داشته باشند از جمله: قلدر، قربانی، قلدر - قربانی و ناظر قلدری (سوربر، وانگ، ماگ، سیبکر و فریچز، ۲۰۱۲). قلدری یک مشکل جهان شمول در سنین مدرسه محسوب می‌شود و شواهد پژوهشی در تمام کشورها نشان دادند که ۴ تا ۴۵ درصد کودکان و نوجوانان یا قلدر هستند یا قربانی - قلدری (فارانک و شاری، ۲۰۰۹). قلدری در نوجوانان تهدیدی برای رشد سالم آنها و عامل احتمالی خشونت در بین نوجوانان محسوب می‌شود (اسموکوسکی و کوپاسز، ۲۰۰۵). قلدری می‌تواند اثرات منفی مانند کاهش حرمت خود، افسردگی، اضطراب، خودزنی و تمایل به خودکشی مخصوصاً در افراد قربانی را به همراه داشته باشد و عوامل مختلفی نیز روی قلدری تأثیر می‌گذارد (هی و ملدروم، ۲۰۱۰). مزاحمت‌های که در بین رفتار قلدرها دیده می‌شود، بر روی سلامت روانی و عملکرد افراد تأثیر زیادی دارد و قربانیان احتمال دارد دچار اختلال در خواب، دردهای جسمی مانند سردرد و معده درد، کاهش اشتها، خستگی و بی‌حالی و همچنین دیگر علائم اضطراب و افسردگی شوند (لیوینگستون، استولوا و کلی، ۲۰۱۶). پژوهش‌های مختلف نشان دادند که بین قلدری و افسردگی رابطه معنی‌داری وجود دارد (اوبا، یاکوب و جوهاری، ۲۰۱۰). بر اساس یک مطالعه در کشور تایوان که روی ۱۱۷۲ دانش‌آموز انجام شد، خصوصیات فردی مانند جنسیت، سابقه افسردگی و بزهکاری با رفتار قلدری در ارتباط است

به طوری که این عوامل نقش مدرسه و معلم را در پیشگیری از قلدری می‌کاهد (هسی‌شنگ، ویلیامز، چن و چانگ، ۲۰۱۰). همچنین متخصصان سلامت روانی معتقدند که تجربه اشکال مختلف پرخاشگری در قربانیان می‌تواند موجب مشکلات روانی زیادی به ویژه افسردگی در افراد شود (بول‌استود و رنر، ۲۰۱۳). مشکلات روانی قربانیان قلدری، حتی در دوران بزرگسالی نیز ممکن است نمایان شود. افسردگی یکی از رایج‌ترین اختلال‌های روانی است که در بین کودکان و نوجوانان مشاهده می‌شود. نوجوانان افسرده، احساس ناامیدی دارند، احساسات منفی شدیدی را تجربه می‌کنند، از اطرافیان دوری می‌جویند، میل به آشنایی با دیگران ندارند و در موارد وخیم تمایل به خودکشی در آنها دیده می‌شود (رینولدز، ۲۰۱۰). افراد افسرده برانگیختگی حرکتی و بی‌برنامگی زیادی از خود نشان می‌دهند (بشارت، نیک‌فرجام، محمدی حاصل، ذبیح زاده و فلاح، ۱۳۹۵). گران و وودامز (۲۰۰۷) بیان می‌کنند که نوجوانان قلدر نسبت به نوجوانانی که در قلدری مشارکت نداشته‌اند، افسرده تر هستند. از طرف دیگر، قلدری به عنوان یک نوع رفتار پرخاشگرانه با سبک هویت فرد مرتبط است، پژوهش‌های مختلف بیانگر این مسئله است که افراد قلدر یا قربانی، سبک‌های هویتی متفاوتی نسبت به افراد عادی را نشان می‌دهند (فلنگان و همکاران، ۲۰۱۱؛ بنیش و یسمن، ۲۰۱۵). از نظر اریکسون (۱۹۶۸) روند شکل‌گیری هویت، یک روند آهسته‌تر از رشد ایگو است. تبلور هویت در دوران کودکی اتفاق می‌افتد و در دوران نوجوانی، شکل جدیدی از هویت پدید می‌آید که در آن همانندسازی‌های کودک به منظور ایجاد هویت جدید، تغییر پیدا می‌کنند. در دوره نوجوانی افراد شیوه ارتباط خود را با والدین تغییر می‌دهند و در پی ایجاد هویتی مستقل برای خود هستند. مارسیا در سال ۱۹۶۶ با تأکید بر محوری دویعده به توصیف پیامد فرآیند هویت‌یابی پرداخت. او با تأکید بر بعد اکتشاف (جست‌وجوی ارزش‌ها و باورها و نقش‌های اجتماعی) و تعهد (به‌دست‌آوردن مجموعه پایداری از هدف‌ها و ارزش‌ها) و ترکیب این دو، چهار وضعیت هویت‌یابی را مشخص کرد که عبارتند از: کسب هویت (اکتشاف و تعهد زیاد نسبت به ارزش‌ها)، ضبط هویت (احساس تعهد بدون کاوش کردن)، وقفه هویت (کاوش بدون احساس تعهد) و پراکندگی هویت (فقدان کاوش و احساس تعهد) (کروگر و مارتینوسن و مارسیا، ۲۰۱۰). برزونسکی بر اساس نظریه مارسیا و اریکسون به تدوین نظریه‌ای در

کاهش امید و علاقه شخص به خود می‌تواند موجب شکل‌گیری قلدری یا قربانی شدن در فرد شود (ژانگ، چی، لانگ و رن، ۲۰۱۹) و همچنین سبک هویت فرد با اثرگذاری روی روابط بین فردی و فرآیندهای شناختی وی می‌تواند از ناسازگاری‌ها جلوگیری کند و یا موجب ایجاد ناسازگاری‌های مانند قلدری و قربانی شود (وانهوف، رایجیمکرز، وان بک، هال و آلو، ۲۰۰۷).

سازمان بهداشت جهانی در تعریف سلامت، روی سه جنبه زیستی، روانی و اجتماعی تأکید می‌کند؛ اما متأسفانه جنبه روانی و اجتماعی سلامت در اکثر کشورها مانند ایران نادیده گرفته می‌شود، همچنین لازم به ذکر است ۸۵ درصد عواملی که روی سلامت فرد مؤثر هستند شامل عوامل روانی و اجتماعی می‌شوند (نوربالا، ۲۰۱۲). سجادی، باقری، جزایری، ترکمان و امیری (۲۰۱۳) در یک بررسی فراتحلیلی، شیوع افسردگی در نوجوانان ایرانی را ۴۳ درصد اعلام کردند. علی‌رغم وجود پژوهش‌های متعدد در مورد افسردگی و قلدری، پژوهش‌های اندکی به بررسی ارتباط افسردگی و قلدری با در نظر گرفتن فاکتور سبک هویت پرداخته‌اند. از طرفی اثرات زیان‌بار افسردگی بر حوزه‌های مختلف زندگی نوجوانان و اهمیت بررسی ارتباط آن با قلدری حائز اهمیت است، همچنین شیوه‌های دستیابی به هویت به عنوان مهمترین دغدغه رشدی نوجوانان، اهمیت بررسی این موضوعات در این مرحله از رشد نوجوانان را نشان می‌دهد. از سوی دیگر پژوهش‌ها درباره ارتباط سبک‌های هویتی با افسردگی نوجوانان بسیار محدود است و پژوهش‌های انجام شده درباره سبک هویتی نتایج متغیر و متفاوت داشتند و کمتر به ارتباط بین سبک هویت فرد و قلدری پرداخته شده است؛ با توجه به مطالب عنوان شده سؤال اساسی پژوهش حاضر این می‌باشد که آیا بین افسردگی و قلدری با نقش میانجی‌گری سبک‌های هویت رابطه وجود دارد؟

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر پایه دهم و یازدهم شهرستان دامغان در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ تشکیل دادند. از جامعه آماری پژوهش ۲ مدرسه دخترانه و ۲ مدرسه پسرانه، به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا دبیرستان‌های دوره دوم به دو بخش دخترانه و پسرانه تقسیم شد و بعد از هر بخش، ۲ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شد. ملاک‌های ورود به

خصوص سبک‌های هویتی پرداخت که عوامل شناختی را در تکوین مراحل و سبک‌های هویتی مهم می‌داند. وی سبک‌های هویتی را به سه دسته تقسیم کرد که عبارتند از: سبک اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی (برزونسکی، سیسویچ، دوریز و سوننس، ۲۰۱۱). افراد با سبک هویت اطلاعاتی درباره دیدگاه خود مشکوک هستند و همواره تمایل دارند که قضاوت خود را تا پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود به تعویق بیندازند. افراد با سبک هویت هنجاری در مواجهه با تعارض‌های هویت به‌طور نسبتاً خودآیند از انتظارات و توقعات «دیگران مهم» تبعیت می‌کنند. افراد با سبک هویت سردرگم / اجتنابی در مواجهه با تعارضات و تصمیمات فردی اهمال‌کار و ناراضی هستند و علاقه‌مندند رفتار آنها از طریق تقاضاها و مشوق‌های محیطی تعیین و کنترل شود (برزونسکی، ۲۰۰۸). برزونسکی (۲۰۰۳) بیان می‌کند میان سبک هویتی و رواندوستی رابطه معناداری وجود دارد به طوری که افراد با هویت هنجاری، رواندوستی بالاتری نسبت به افراد با هویت اجتنابی و اطلاعاتی دارند. همچنین بین آشفتگی هویتی و علائم افسردگی رابطه معناداری وجود دارد (دمیر، کیناک‌دمیر و سونمز، ۲۰۱۰). برزونسکی و کینی (۲۰۱۹) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های هویت، افسردگی، خودتنظیمی و اجتناب از تجربه رابطه وجود دارد، همچنین عسگریان مقدم و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان دادند سبک هویت فرد روی افسردگی تأثیرگذار است به طوری که بین هویت اجتنابی با مشکلات روان رنجورخویی، واکنش افسرده‌گون و اختلال‌های رفتار هنجاری رابطه مثبتی وجود دارد (برزونسکی، ۲۰۰۸). از طرفی، سبک هویت اطلاعاتی با الگوهای سازگار رفتارهای میان فردی و سبک‌های هویت هنجاری و اجتنابی / سردرگم با الگوهای ناسازگار رفتارهای میان فردی در ارتباط است (اسمیتس، دومن، لیکگس، دوریز و گوسینز، ۲۰۱۱). فیلیس و پتمن (۲۰۰۷) در مطالعه خود روی ۲۶۲ دانش‌آموز به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان دارای سبک هویت اجتنابی بیشتر از دانش‌آموزان دارای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری مرتکب اعمال بزهکارانه می‌شوند و دچار احساس ناامیدی و حرمت خویش پایین هستند. در ایران نیز پژوهش‌های غفارزاده و ابولقاسمی (۱۳۹۷) و پورطالب و میرنسب (۱۳۹۵) نشان دادند میزان قلدری در افراد با سبک هویت اجتنابی به مراتب بیشتر از سایرین است. به طور کلی افسردگی با

همبستگی دارد (کواس، ۱۹۸۵؛ اسماکر و همکاران، ۱۹۸۷). همسانی درونی بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۶ است. اعتبار همزمان و افتراقی نیز مناسب گزارش شده است (لوگان و همکاران، ۲۰۱۳). در این پژوهش نیز مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۹ بدست آمد که نشان دهنده پایایی مناسب پرسشنامه افسردگی کودکان است.

پرسشنامه استاندارد قلدری (ایلی نوز و هولت، ۲۰۰۱): پرسشنامه قلدری، توسط اسپلاگ و هولت طراحی شده است. این مقیاس دارای ۱۸ گویه و سه مؤلفه می باشد که با یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (هرگز تا همیشه) و هر ماده دارای ارزشی بین ۱ تا ۵ است. بیشترین و کمترین نمره در این پرسشنامه ۹۰ و ۱۸ می باشد. اسپلاگ و هولت (۲۰۰۱) برای تعیین اعتبار این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده کردند که برای کل مقیاس ضریب آلفا ۰/۸۳ بدست آمد همچنین در ایران در پژوهش چالمه (۱۳۹۲) روایی پرسشنامه توسط اساتید و متخصصان این حوزه تأیید شد و پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ بالای ۰/۷۰ به دست آمد. در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ ۰/۷۶ بدست آمد.

پرسشنامه سبک های هویت (برزونسکی، ۱۹۸۹): برزونسکی نخستین بار سیاهه سبک هویت را برای ارزیابی سبک هویت با قابلیت اجرای گروهی و به صورت خودگزارشی طراحی کرد. این پرسشنامه، شامل ۴۰ سؤال می باشد که از این میان، ۱۱ سؤال به سبک هویت اطلاعاتی سؤالات ۲-۵-۶-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶-۳۰-۳۳-۳۵-۳۷ افراد، ۹ سؤال به سبک هویت هنجاری سؤالات ۴-۱۰-۱۹-۲۱-۲۳-۲۸-۳۲-۳۴-۴۰، ۱۰ سؤال به سبک هویت اجتنابی یا سردرگم سؤالات ۳-۸-۱۳-۱۷-۲۴-۲۷-۲۹-۳۱-۳۶-۳۸ و ۱۰ سؤال نیز به مقیاس تعهد سؤالات ۱-۷-۹-۱۱-۱۲-۱۴-۱۵-۲۰-۲۲-۳۹ اختصاص یافته است سؤالات ۹-۱۱-۱۴-۲۰ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. براساس یک مقیاس پنج درجه‌ای (ازیک، کاملاً مخالفم تا پنج، کاملاً موافقم) به سؤالات پاسخ می دهند ضریب آلفای کرونباخ این ابزار که روی ۶۱۷ نفر اجرا شده بود، برای سبک اطلاعاتی ۰/۷۰، سبک هنجاری ۰/۶۴ و سبک آشفته و اجتنابی ۰/۷۶ گزارش شده است (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵). در پژوهش وایت و همکاران (۱۹۹۸) ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از سبک های اطلاعاتی، هنجاری، اجتنابی و تعهد هویت به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۴، ۰/۷۳ و ۰/۷۸ گزارش شده است. در ایران غضنفری (۱۳۸۲) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۷، ۰/۶۰ و ۰/۶۶ را به

مطالعه شامل محدوده سنی ۱۵ تا ۱۷ سال و تحصیل در پایه دهم و یازدهم و ملاک خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به مشارکت در پژوهش بود. ۳۵۰ دانش آموز با روش نمونه گیری تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند و پس از توضیح اهداف پژوهش و رضایت آزمودنی ها، پرسشنامه ها در بین دانش آموزان توزیع شد. به منظور رعایت اصول اخلاقی به آزمودنی ها درباره محرمانه بودن اطلاعات اطمینان داده شد. سپس پرسشنامه ها جمع آوری شد و پرسشنامه های ناقص حذف گردید. در نهایت، داده های نمونه به حجم ۳۰۲ نفر (۱۶۲ دانش آموز دختر و ۱۳۸ دانش آموز پسر) وارد تحلیل نهایی شد. برای تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ و نرم افزار AMOS نسخه ۲۲ استفاده گردید.

ابزار

پرسشنامه افسردگی کودکان (ماریا کواس، ۱۹۸۵): پرسشنامه افسردگی کودکان ماریا کواس یک ابزار خود گزارشی ۲۷ ماده ای است که جهت ارزیابی نشانه های افسردگی در کودکان و نوجوانان (طیف سنی ۷ تا ۱۷ سال) استفاده می شود. ماده های این پرسشنامه که از پرسشنامه افسردگی بک برگرفته شده است هر نشانه ای را که می تواند مختص افسردگی دوره کودکی باشد ارزیابی می کند: به عنوان مثال خلق پایین، خود ارزیابی ضعیف، و مشکلات بین فردی. بیشترین و کمترین نمره در این پرسشنامه ۵۴ و صفر می باشد. این پرسشنامه شامل ۵ خرده مقیاس می باشد که عبارتند از: خلق منفی، مشکلات بین فردی، احساس بیهودگی، فقدان احساس لذت و حرمت خود پایین. آیت م ها بر اساس طبقه بندی ۰ (عدم وجود نشانه) تا ۲ (وجود نشانه های مشخص) نمره گذاری می شود. نمره کلی با دامنه ۰ تا ۵۴ که هر چه نمره فرد بیشتر باشد شدت افسردگی فرد نیز بیشتر خواهد بود. هر سؤال دارای سه جمله است که آزمودنی با توجه به احساسات و افکار خود در طول دو هفته گذشته یکی از جملات را انتخاب و ضربدر می زند. ۱۴ سؤال از ۲۷ سؤال به صورت مستقیم (۱-۳-۴-۶-۱۲-۱۴-۱۷-۱۹-۲۰-۲۲-۲۳-۲۴-۲۶-۲۷) و ۱۳ سؤال (۲-۵-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۳-۱۵-۱۶-۱۸-۲۱-۲۵) به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. طریقه نمره گذاری برای سؤالات مستقیم الف (۰)، ب (۱) و ج (۲) و طریقه نمره گذاری برای سؤالات معکوس الف (۲)، ب (۱) و ج (۰) می باشد. پرسشنامه افسردگی کودکان با سایر پرسشنامه های مرتبط با افسردگی دوره کودکی و نوجوانی از جمله مقیاس افسردگی نوجوانان رینولدز

داده‌ها کنار گذاشته شدند. کجی و کشیدگی توزیع نمرات متغیرها با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه و نتایج نشان داد در هیچ کدام از مقادیر کجی و کشیدگی بیشتر از دامنه ± 1 نمی‌باشد. نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کالموگروف - اسمیرنوف بررسی شد. نتایج نشان داد توزیع نمرات هر چهار متغیر مدل نرمال ($P > 0/05$) است. فرض استقلال خطاها با آماره دوربین و اتسون برای محاسبه‌ی معادلات رگرسیونی مدل پژوهش بررسی شد که مقدار به دست آمده بیانگر برقراری این مفروضه است. مفروضه‌ی هم خطی بین متغیرها با استفاده از همبستگی پیرسون بین زوج متغیرها بررسی شد. همبستگی دو متغیری $0/9$ و بالاتر نشان دهنده‌ی همخطی است، این مشکل در داده‌های پژوهش حاضر مشاهده نشد. علاوه بر آن آماره تحمل و عامل تورم واریانس به منظور بررسی هم خطی چندگانه محاسبه شد. نتایج نشان داد هیچکدام از مقادیر آماره تحمل کوچکتر از حد مجاز $0/1$ و هیچکدام از مقادیر عامل تورم واریانس بزرگتر از حد مجاز 10 نمی‌باشند. بنابراین بر اساس دو شاخص ذکر شده وجود همخطی چندگانه در داده‌ها مشاهده نشد. پس از بررسی مفروضه‌ها و حصول اطمینان از برقراری آنها، به منظور ارزیابی مدل مورد بررسی از تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج تحلیل مسیر در شکل ۱ ارائه شده است.

در شکل ۱ ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی به منظور بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های هویت در رابطه بین افسردگی با قلدری و قربانی نشان داده شده است.

ترتیب برای سه خرده مقیاس سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و آشفته / اجتنابی گزارش کرد. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ برای سبک اطلاعاتی $0/72$ ، سبک هنجاری $0/65$ ، سبک آشفته / اجتنابی $0/74$ و تعهد هویت $0/80$ بدست آمد که نشان دهنده پایایی مطلوب و مناسب برای پرسشنامه سبک‌های هویت بود.

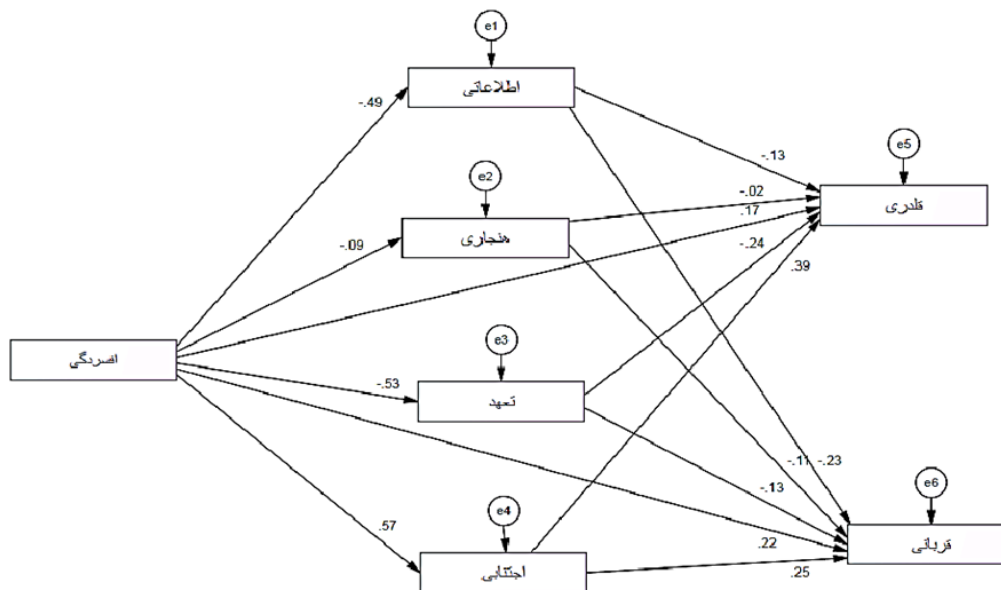
یافته‌ها

در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و سپس نتایج تحلیل مسیر که به منظور بررسی اهداف پژوهش صورت گرفتند، ارائه می‌شود. میانگین سنی آزمودنی‌ها $16/3$ سال و انحراف معیار سن آنها $1/05$ سال بود. اطلاعات توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش و همچنین ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

همانگونه که در جدول ۱ نشان داده شده است ضرایب همبستگی متغیر وابسته مدل (قلدری و قربانی) با متغیرهای افسردگی و سبک‌های هویت معنی‌دار ($P < 0/01$) است. بر اساس نتایج بدست آمده رابطه بین افسردگی با متغیرهای قلدری و قربانی مثبت و معنی‌دار ($P < 0/01$) است. رابطه بین سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد با قلدری و قربانی منفی، و در مقابل رابطه بین سبک هویت اجتنابی با قلدری و قربانی مثبت است. معنی‌داری ضرایب پیش شرط لازم برای تحلیل مسیر را فراهم می‌آورد. به منظور آزمون مدل پژوهش، از تحلیل مسیر با بهره‌گیری از نرم‌افزار Amos استفاده شد. پیش از استفاده از تحلیل مسیر، داده‌های پرت تک متغیری با استفاده از نمودار جعبه‌ای، و داده‌های پرت چندمتغیری با استفاده از آماره ماهالانویس بررسی و از مجموعه

جدول ۱. ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش								
	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	انحراف معیار
۱. افسردگی							۱	۴/۷۳۵
۲. اطلاعاتی						۱	** $-0/489$	۷/۸۵۵
۳. هنجاری					۱	** $0/211$	$-0/094$	۳/۹۱۳
۴. تعهد				۱	** $0/253$	** $0/470$	** $-0/528$	۳/۰۶۷
۵. اجتنابی			۱	** $-0/605$	** $-0/321$	** $-0/573$	** $0/567$	۳/۱۷۲
۶. قلدری		۱	** $0/431$	** $-0/157$	* $-0/129$	** $-0/331$	** $0/335$	۲/۷۶۴
۷. قربانی	۱	** $0/304$	** $0/587$	** $-0/503$	** $-0/275$	** $-0/535$	** $0/524$	۲/۰۲۶

** = $P < 0/01$ * = $P < 0/05$



شکل ۱. ضرایب استاندارد مدل نقش سبک‌های هویت در رابطه بین افسردگی با قلدری و قربانی

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل						
شاخص برازش	GFI	NFI	RMSEA	CFI	IFI	SRMR
دامنه مورد قبول	> ۰/۹	> ۰/۹	< ۰/۰۸	> ۰/۹	> ۰/۹	< ۰/۰۸
مقدار مشاهده شده	۰/۹۲۷	۰/۹۲۸	۰/۰۷۳	۰/۹۲۹	۰/۹۲۹	۰/۰۶۸

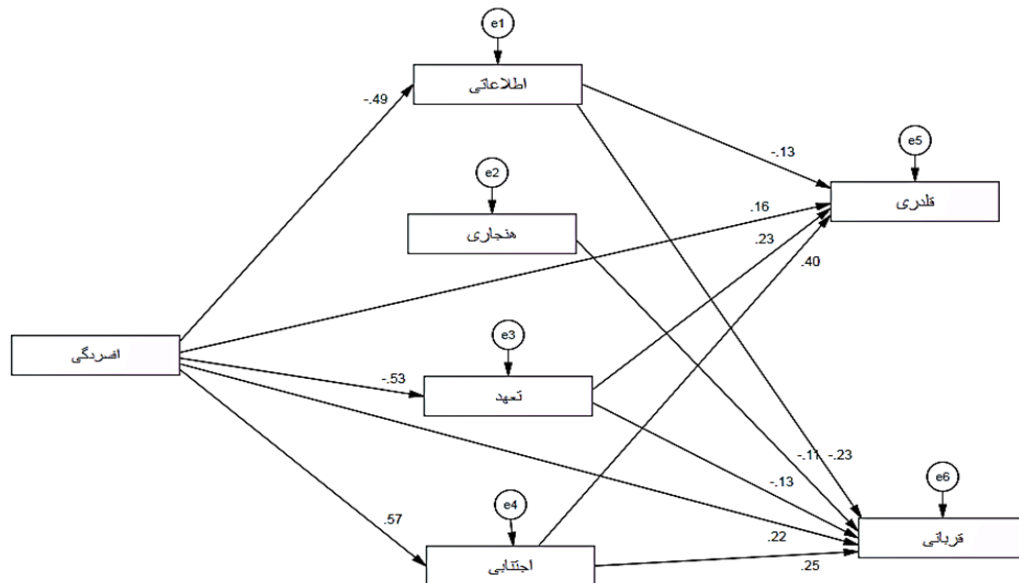
نیز از ملاک مورد نظر (۰/۹) بزرگتر هستند. ضرایب بدست آمده حاکی از برازش مطلوب مدل است. روابط بین متغیرهای موجود در مدل شامل اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرها است که در جدول ۳ آمده است.

در جدول ۲ شاخص‌های برازش مدل ارائه شده است. خطای ریشه مجذور میانگین تقریبی (RMSEA) برابر ۰/۰۷۳ و ریشه دوم میانگین مربعات باقی مانده (SRMR) برابر با ۰/۰۶۸ است که از میزان ملاک (۰/۰۸) کوچکتر است کوچکتر است و در نتیجه برازش مدل را تأیید می‌کند. شاخص‌های CFI، IFI، GFI و NFI

جدول ۳. اثرهای مستقیم، غیرمستقیم و کل مدل						
از متغیر	به متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده	
افسردگی	اطلاعاتی	** -۰/۴۸۹	-	** -۰/۴۸۹	۰/۲۳۹	
	هنجاری	-۰/۰۹۴	-	-۰/۰۹۴	۰/۰۰۹	
	تعهد	** -۰/۵۲۸	-	** -۰/۵۲۸	۰/۲۷۹	
	اجتنابی	** -۰/۵۶۷	-	** -۰/۵۶۷	۰/۳۲۲	
افسردگی	اطلاعاتی	* -۰/۱۶۷	** -۰/۱۶۲	* -۰/۳۲۹	۰/۲۶۵	
	هنجاری	-۰/۰۱۷	-	-۰/۰۱۷		
	تعهد	** -۰/۲۳۵	-	** -۰/۲۳۵		
	اجتنابی	** -۰/۳۹۳	-	** -۰/۳۹۳		
افسردگی	اطلاعاتی	** -۰/۲۲۸	** -۰/۳۲۹	** -۰/۵۴۸	۰/۴۰۴	
	هنجاری	* -۰/۱۰۷	-	* -۰/۱۰۷		
	تعهد	* -۰/۱۲۶	-	* -۰/۱۲۶		
	اجتنابی	** -۰/۲۴۷	-	** -۰/۲۴۷		

** = $P < 0.01$ * = $P < 0.05$

با توجه به عدم معنی‌داری روابط بین متغیر افسردگی و هنجاری و همچنین رابطه بین قلدری و هنجاری، این مسیرها از مدل حذف شده و مدل مجدداً مورد بررسی قرار گرفت.



شکل ۲. ضرایب استاندارد مدل اصلاح شده نقش سبک‌های هویت در رابطه بین افسردگی با قلدری و قربانی

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده						
SRMR	IFI	CFI	RMSEA	NFI	GFI	شاخص برازش
< ۰/۰۸	> ۰/۹	> ۰/۹	< ۰/۰۸	> ۰/۹	> ۰/۹	دامنه مورد قبول
۰/۰۶۱	۰/۹۳۶	۰/۹۳۶	۰/۰۶۷	۰/۹۳۵	۰/۹۳۴	مقدار مشاهده شده

در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده ارائه شده است. خطای ریشه مجذور میانگین تقریبی (RMSEA) برابر ۰/۰۶۷ و ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده (SRMR) برابر با ۰/۰۶۱ است که از میزان ملاک (۰/۰۸) کوچک‌تر است و کوچک‌تر است و در نتیجه برازش مدل اصلاح شده را تأیید می‌کند. شاخص‌های IFI، CFI، GFI و NFI نیز از ملاک مورد نظر (۰/۹) بزرگتر هستند. ضرایب بدست آمده حاکی از برازش مطلوب مدل است. روابط بین متغیرهای موجود در مدل اصلاح شده شامل اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرها است که در جدول ۵ آمده است.

در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده ارائه شده است. خطای ریشه مجذور میانگین تقریبی (RMSEA) برابر ۰/۰۶۷ و ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده (SRMR) برابر با ۰/۰۶۱ است که از میزان ملاک (۰/۰۸) کوچک‌تر است و کوچک‌تر است و در نتیجه برازش مدل اصلاح شده را تأیید می‌کند. شاخص‌های IFI، CFI، GFI و NFI نیز از ملاک مورد نظر (۰/۹) بزرگتر هستند. ضرایب بدست آمده حاکی از برازش مطلوب مدل است. روابط بین متغیرهای موجود در مدل اصلاح شده شامل اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرها است که در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. اثرهای مستقیم، غیرمستقیم و کل مدل اصلاح شده						
از متغیر	به متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده	
افسردگی	اطلاعاتی	-۰/۴۸۹**	-	-۰/۴۸۹**	۰/۲۳۹	
	تعهد	-۰/۵۲۸**	-	-۰/۵۲۸**	۰/۲۷۹	
	اجتنابی	۰/۵۶۷**	-	۰/۵۶۷**	۰/۳۲۲	
افسردگی اطلاعاتی	قلدری	-۰/۱۲۶*	-	-۰/۱۲۶*	۰/۲۶۶	
	تعهد	-۰/۲۳۳**	-	-۰/۲۳۳**	۰/۲۶۶	
	اجتنابی	۰/۳۹۸**	-	۰/۳۹۸**	۰/۲۶۶	
افسردگی هنجاری	قلدری	-۰/۱۰۸*	-	-۰/۱۰۸*	۰/۳۹۷	
	تعهد	-۰/۱۲۷*	-	-۰/۱۲۷*	۰/۳۹۷	
	اجتنابی	۰/۲۴۹**	-	۰/۲۴۹**	۰/۳۹۷	

** = $P < 0.01$ * = $P < 0.05$

اعمال بزهکارانه به طور معناداری در رفتارهای قلدری فیزیکی و کلامی دخیل است. نانسل و همکاران (۲۰۰۱) در پژوهش خود نشان دادند اقدام به خودکشی و گوشه‌گیری در نوجوانان قلدر افزایش پیدا می‌کند و قلدری مکرر تأثیرات پنهانی بر فرد می‌گذارد که خشم زیاد، افسردگی، اعتماد به نفس پایین و انزوا از اجتماع از آن جمله است. افسردگی اختلالی است که با کمبود انرژی، بی‌علاقگی و احساس گناه همراه است و روی ارتباطات اجتماعی فرد تأثیر زیادی می‌گذارد. دانش آموزانی که مورد قلدری قرار می‌گیرند ممکن است نسبت به مدرسه بی‌میل شوند و از رفتن به آن اجتناب کنند و به خاطر جلوگیری از اینکه مورد آزار قرار بگیرند از بسیاری از تعاملات اجتماعی دوری کنند. از طرف دیگر آزارهای مداوم می‌تواند باعث افزایش آسیب‌پذیری افراد نسبت به فشار روانی و در نتیجه آن افزایش احتمال بروز افسردگی و دیگر اختلالات روانی در آنها شود. فلیپس و پتمن (۲۰۰۷) در مطالعه خود نشان دادند که سبک هویت اجتنابی با هیجانات و عواطفی مانند افسردگی و حرمت خویش پایین رابطه دارد، همچنین برزونسکی و همکاران (۱۹۹۹) نشان داده‌اند که افسردگی، اعتماد به نفس پایین و اضطراب با سبک هویت اجتنابی و سبک هویت اطلاعاتی با نشانه رضایت‌مندی، اعتماد به نفس بالا و اضطراب پایین در ارتباط است. نتایج پژوهش غفارزاده و ابوالقاسمی (۱۳۹۷) نشان داد که سبک هویت هنجاری در دانش‌آموزان قلدر نسبت به عادی کمتر است و سبک هویت سردرگم - اجتنابی در دانش‌آموزان قلدر نسبت به عادی بیشتر است. همچنین، نتایج پژوهش پورطالب و میر نسب (۱۳۹۵) نشان داد بین سبک‌های هویت دانش‌آموزان قلدر و عادی تفاوت معناداری وجود دارد؛ اما از نظر تعهد هویت بین دانش‌آموزان قلدر و قربانی تفاوت معناداری مشاهده نشد.

از طرفی ارتباط بین سبک‌های هویت و افسردگی در پژوهش‌های بسیاری از جمله برزونسکی و کینی (۲۰۱۹)، دمیر و همکاران (۲۰۱۰)، برزونسکی و کاک (۲۰۰۵) و عسگریان مقدم و همکاران (۱۳۹۲) نشان داده شده است. نتایج تحقیق وزیری، کاشانی، جمشیدی‌فر و وزیری (۲۰۱۴) نشان داد ضرایب مربوط به تأثیر افسردگی بر سبک‌های هویت اطلاعاتی و تعهد منفی و بر سبک هویت اجتنابی مثبت می‌باشد. در پژوهش حاضر نیز نشان داده شد که سبک هویت اجتنابی با افسردگی رابطه مثبت دارد. افراد با سبک هویتی اجتنابی از موقعیت‌هایی که در آن لازم است تصمیم‌گیری

در جدول ۵ خلاصه نتایج مربوط به روابط بین متغیرها در مدل آزمون شده ارائه شده است. بر اساس نتایج تحلیل مسیر، افسردگی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم با میانجی‌گری سبک‌های هویت، متغیرهای قلدری و قربانی را پیش‌بینی می‌کند. ضرایب مربوط به تأثیر افسردگی بر سبک‌های هویت اطلاعاتی و تعهد منفی ($P < 0/01$) و بر سبک هویت اجتنابی مثبت ($P < 0/01$) است. اثر مستقیم افسردگی بر سبک هویت هنجاری معنی‌دار نبود. ضرایب مربوط به تأثیر سبک‌های هویت اطلاعاتی ($P < 0/05$) و تعهد ($P < 0/01$) بر متغیر قلدری منفی و تأثیر سبک هویت اجتنابی بر قلدری مثبت ($P < 0/01$) است. اثر سبک هویت هنجاری بر قلدری معنی‌دار نبود. ضرایب مربوط به تأثیر سبک‌های هویت اطلاعاتی ($P < 0/05$)، هنجاری و تعهد بر متغیر قربانی منفی ($P < 0/01$) و تأثیر سبک هویت اجتنابی بر قربانی مثبت ($P < 0/01$) است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین افسردگی و قلدری با نقش میانجی‌گری سبک‌های هویت بود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد رابطه بین افسردگی با متغیرهای قلدری و قربانی معنادار و مثبت است و رابطه بین سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت با قلدری و قربانی منفی و در مقابل رابطه بین سبک هویت اجتنابی با قلدری و قربانی مثبت است، همچنین مشخص شد افسردگی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم با میانجی‌گری سبک‌های هویت، متغیرهای قلدری و قربانی را پیش‌بینی می‌کند. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۹)، برزونسکی و کینی (۲۰۱۹)، (بنیش و یسمن، ۲۰۱۵)، سجادی و همکاران (۲۰۱۳)، (بول استود و رنر، ۲۰۱۳)، (فلنگان و همکاران، ۲۰۱۱)، (برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۱)، (اسمیتس و همکاران، ۲۰۱۱)، (کروگر و همکاران، ۲۰۱۰)، (اوبا و همکاران، ۲۰۱۰)، (دمیر و همکاران، ۲۰۱۰)، (هسی‌شنگ و همکاران، ۲۰۱۰)، (رینولدز، ۲۰۱۰)، (برزونسکی، ۲۰۰۸)، فلیپس و پتمن (۲۰۰۷)، گرنا و وودامز (۲۰۰۷)، (وانهوف و همکاران، ۲۰۰۷)، برزونسکی (۲۰۰۳)، غفارزاده و ابوالقاسمی (۱۳۹۷)، پورطالب و میرنسب (۱۳۹۵) و (بشارت و همکاران، ۱۳۹۵) همسو بود. نتایج پژوهش هسی‌شنگ و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد ویژگی‌های فردی از جمله سن، جنس، افسردگی و شرکت در

کنند، اجتناب می‌کنند و از رویارویی با مشکلات و تعارضات ترس دارند و آن را به تعویق می‌اندازند همانند افراد افسرده که اکثر اوقات تصمیم‌گیری مناسبی ندارند و با مسائل با بی‌علاقگی روبرو می‌شوند و میلی به درگیر شدن در آنها ندارند. همچنین، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های برزونسکی (۱۹۹۲)، برزونسکی (۲۰۰۴) و نتایج رحیمی نژاد و همکاران (۱۳۹۱) همسو است. براساس مدل برزونسکی، سبک سردرگم - اجتنابی، با ویژگی‌هایی چون تعهد ضعیف، مرکز کنترل بیرونی، فقدان همدلی، خودباختگی آمیخته است افراد دارای این سبک هویتی مشکلاتی در خودکنترلی دارند و به صورت تکانشی عمل می‌کنند (وزیری و همکاران، ۲۰۱۴) که این امر موجب بروز رفتارهای مرتبط با قلدری یا قربانی می‌شود، همچنین این افراد زمان مواجهه با تنش از روش مقابله هیجان‌مدار استفاده می‌کنند (برزونسکی و کنی، ۲۰۰۸) و نسبت به آینده چشم انداز امیدوار کننده‌ای ندارند و منبع کنترلی آنها بیرونی است و در برقراری روابط میان فردی دچار مشکل می‌شوند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۵؛ برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۱) که موارد فوق ذکر موجب ایجاد حس افسردگی در فرد می‌شود. از طرفی افراد با سبک هویت اطلاعاتی هنگام مواجهه با مسائل استرس‌زا دارای رویکرد مقابله‌ای مسئله‌مدار هستند (سوانس و همکاران، ۲۰۰۵)، این دسته از افراد در مواجهه با مسائل تصمیم‌گیری هوشمندانه دارند، دارای خودمختاری عاطفی هستند و از خودنظم‌دهی و سطح تعهد بالایی برخوردارند. این افراد به واسطه ارزش‌های شخصی، اهداف و معیارهایی که برای خودشان ارزشمند است خود را معرفی می‌کنند (برزونسکی و فری، ۲۰۰۶) و به دنبال معنا در زندگی و تجدید نظر در ساختارهای ذهنی خود هستند (رحیمی‌نژاد، زالی‌زاده و علیپور، ۱۳۹۴). بنابراین با توجه به پایبندی به ارزش‌های و اهداف شخصی خود در پی رسیدن به اهدافشان هستند و زمانی که در مسیر رسیدن به این اهداف با مانعی مواجه می‌شوند برای مقابله با این مانع از روش‌های عقلانی استفاده می‌کنند و درگیر عواطف منفی نمی‌شوند. در این مطالعه نشان داده شد افرادی که مقدار کاوشگری بیشتری در رابطه با هویت خود دارا هستند و نسبت به هویت خود تعهد دارند و همچنین کمتر از خود قلدری نشان می‌دهند یا به آنها زورگویی می‌شود، کمتر از سایرین دچار افسردگی می‌شوند. افراد زمانی که دچار احساس ناامیدی و افسردگی هستند در مقابل شرایط دشوار تحمل کمتری دارند و ممکن است رفتارهای نامناسب از

جمله رفتارهای قلدری و قربانی را از خود نشان دهند از طرف دیگر سبک هویت فرد یکی از عوامل مؤثر در تعاملات فرد با دیگران محسوب می‌شود و زمانی که ناسالم باشد می‌تواند موجب بروز مشکل در تعاملات بین فردی شود که یکی از این مشکلات موضوع قلدری و قربانی می‌باشد، همچنین افرادی که احساس افسردگی دارند نسبت به کاوش درباره هویت خود بی‌میلی و بی‌علاقگی بیشتری دارند و این مسئله روی تعهد آنها به هویت خود نیز نقش بسزایی می‌گذارد. به طور کلی افسردگی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم با اثرگذاری بروی شکل‌گیری هویت می‌تواند موجب بروز رفتارهای قلدری و قربانی در افراد شود. از جمله محدودیت‌های این پژوهش این است که نتایج و یافته‌های بدست آمده تنها قابل کاربرد در جامعه آماری پژوهش حاضر می‌باشد و نمی‌توان آن را به جامعه آماری دیگر تعمیم داد. همچنین در این پژوهش امکان کنترل متغیرهایی مثل ویژگی‌های فرهنگی و شخصیتی گروه مورد مطالعه وجود نداشت. بنابراین پیشنهاد می‌شود با مداخلات روانشناختی زودهنگام و اقدامات پیشگیرانه برای کاهش افسردگی در دانش‌آموزان و در نتیجه پیشگیری از شکل‌گیری سبک هویت ناسالم، می‌توان رفتارهای درگیر در قلدری (قلدری و قربانی) را کاهش داد، همچنین با ترغیب دانش‌آموزان به کاوش‌گری و خودشناسی از طریق ایجاد بستر مناسب در خانواده و مدرسه جهت پرسشگری و مباحثه، می‌توان باعث شکل‌گیری هویت سالم در آنها شد. از طرف دیگر، نقش مشاور مدرسه در کاهش خشونت و قلدری بین دانش‌آموزان و کمک به شکل‌گیری هویت آنها اهمیت زیادی دارد. مشاور مدرسه با استفاده از مهارت‌های ارتباطی و انگیزشی خود می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر در فعلیت بخشیدن به استعدادهای بالقوه دانش‌آموزان و هدایت آنها به سوی خودشکوفایی و بهزیستی نقش مهمی ایفا کند. از آنجایی که جامعه مورد بررسی در این پژوهش شامل دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان دامغان بودند باید در تعمیم یافته‌ها به دیگر جوامع احتیاط شود، همچنین برای بررسی دقیق‌تر رابطه افسردگی و قلدری، پیشنهاد می‌شود سایر عوامل میانجی‌گر، از جمله شخصیت و کارکردهای شناختی فرد و والدین بر افسردگی و قلدری مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- Associations between identity styles and value orientations. *Personality and Individual Differences*, 50(2), 295-299.
- Berzonsky, M. D., & Kinney, A. (2019). Identity Processing Style and Depression: The Meditational Role of Experiential Avoidance and Self-Regulation, *Identity. An International Journal of Theory and Research*, 19(2), 83-97.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39(1), 235-247.
- Berzonsky, M.D., Nurmi, J.E., Kinney, A., & Tammi, K. (1999). Identity processing style and cognitive attribution strategies: Similarities and differences across different contexts. *European Journal of Personality*, 13, 105-120.
- Berzonsky, M. D. (1992). *A process perspective on identity and stress management*. In G. R. Adams, T. P. Gullotta, & R. Montemayor (Eds.), *Adolescent identity formation (Advances in adolescent development)*, Vol. 4 (pp. 193-215). Newbury Park, CA: Sage
- Boel-Studt S, Renner L.M. (2013). Individual and familial risk and protective correlates of physical and psychological peer victimization. *Child Abuse & Neglect*, 37, 1163-1174.
- Deirdre, E., Logan, Robyn., Lewis., Claar, Jessica, W. Guite, Zuck, S.K, Jordan, L.A., Palermo, M.T., Wilson, C.A., Zhou, C. (2013). Factor Structure of the Children's Depression Inventory in a Multisite Sample of Children and Adolescents With Chronic Pain. *The Journal of Pain*, 14(7), 689-698.
- Demir, B., Kaynak-Demir, H., & Sonmez, E.I. (2010). Sense of identity and depression in adolescents. *The Turkish Journal of Pediatrics*, 52, 68-72.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity, youth and crisis*. New York: W.W. Norton, Inc.
- Espelage, D. L., & Holt, M. K. (2001). *Bullying and Victimization During Early Adolescence*. *Journal of Emotional Abuse*, 2(2-3), 123-142.
- Grennan, S., Woodhams, J. (2007). The impact of bullying and coping strategies on the psychological distress of young offenders. *Psychology, Crime & Law*, 13(5), 487-504.
- Flanagan, T., Iarocci, G., D'Arrisso, A., Mandour, T., Tootoosis, C., Robinson, S., & Burack, J. (2011). Reduced rating of physical and relational aggression for youths with a strong cultural identity: evidence from the Naskapi people. *Journal of Adolescent Health*, (49), 155-199.
- Frank, J.H., & Shari, J.H. (2009). *Relationships among perfectionism, achievement goals, athletic identity, and athlete burnout*. Conference, Tucson. U. S. A.
- Hay, C., & Meldrum, R. (2010). Bullying victimization and adolescent self - harm: Testin hypotheses from general strain theory. *Journal of Youth and Adolescence*, 39(5), 446-459.
- Headley, S. (2002). Young adolescents' well-being and
- بشارت، محمدعلی؛ نیک‌فرجام، محمدرضا؛ محمدی حاصل، کورش؛ ذبیح‌زاده، عباس و فلاح، محمدحسین (۱۳۹۵). برانگیختگی در بیماران مبتلا به افسردگی، اختلال‌های اضطرابی و افراد عادی: یک مطالعه مقایسه‌ای. *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی*، ۱۵ (۵۹)، ۳۳۴-۳۱۵.
- پورطالب، نرگس و میرنسب، میرمحمود (۱۳۹۵). مقایسه سبک‌های هویت دانش‌آموزان با رفتارهای قلدری قربانی و عادی. *نشریه علمی پژوهشی آموزش و ارزیابی*، ۹ (۳۶)، ۱۴۵-۱۳۱.
- چالمه، رضا (۱۳۹۲). کفایت روانسنجی مقیاس قلدری ایلی نويز در دانش‌آموزان ایرانی: بررسی روایی، پایایی و ساختار عاملی. *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۳ (۱۱)، ۵۲-۳۹.
- رحیمی‌نژاد، عباس؛ برجعلی‌لو، سمیه؛ یزدانی‌ورزنده، محمدجواد؛ فراهانی، حجت و امانی، حبیب (۱۳۹۱). اثر سبک‌های هویت بر افسردگی، اضطراب و استرس دانشجویان: نقش میانجی واسطه‌ای تعهد هویت. *روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۲ (۹)، ۱۶-۱.
- رحیمی‌نژاد، عباس؛ زالی‌زاده، محسن و علیپور، احمد (۱۳۹۴). رابطه سبک‌های هویت با حضور و جستجوی معنای زندگی. *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی*، ۱۴ (۵۶)، ۵۱۶-۵۰۴.
- عسگریان مقدم زنجان، هما؛ باقری، فریبرز؛ جزایری، سیدمجتبی؛ ترکمان، محمد و امیری، حمید (۱۳۹۲). مقایسه هوش هیجانی و سبک‌های هویت زنان مبتلا به اختلال افسردگی اساسی و زنان عادی. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۴ (۲)، ۱۱۹-۱۰۹.
- غضنفری، اکبر (۱۳۸۲). بررسی تأثیر هویت و راهبردهای مقابله‌ای بر سلامت روانی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهر اصفهان. پایان‌نامه دکترای چاپ نشده، دانشگاه علامه طباطبایی.
- غفارزاده، صدیقه و عباس، ابولقاسمی (۱۳۹۷). مقایسه مشکلات هیجانی، سبک‌های هویتی و رفتارهای ایمنی در دانش‌آموزان زورگو و عادی. *مجله روانشناسی مدرسه*، ۷ (۱۰۳)، ۱۱۷-۱۰۳.
- Benish-Weisman, M. (2015). Brief report: Ethnic identity and aggression in adolescence: A longitudinal perspective. *Journal of Adolescent*, 30, 131-134.
- Berzonsky, M. D. (2008). Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Personality and Individual Differences*, 44(3), 645-655.
- Berzonsky, M, D. (2004). Identity style, parental authority, and identity. *Journal of adolescent research*, 7, 140-155.
- Berzonsky, M. D., Cieciuch, J., Duriez, B., & Soenens, B. (2011). The how and what of identity formation:

- Smokowski, P.R, Kopasz, K.H. (2005). Bullying in school: An overview of types, effects, family characteristics and intervention strategies. *Children and Schools*, 27(2), 101-110.
- Smucker, M.R., Craighead, W.E., Craighead, L.W., Green, B.J. (1986). Normative and reliability data for the Children's Depression Inventory. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 14(1), 25-39.
- Swearer, S. M., Wang, C., Maag, J. W., Siebecker, A. B., & Freerichs, L. J. (2012). Understanding the bullying dynamic among students in special and general education. *Journal of School Psychology*, (50), 503-520.
- Uba, I., Yaacob, S. N., & Juhari, R. (2010). Bullying and Its' Relationship with Depression among Teenagers. *Journal of Psychology*, 1(1), 15-22.
- Van Hoof, A., Raaijmakers, Q. A. W., van Beek, Y., Hale, W. W., & Aleva, L. (2007). A Multi-mediation Model on the Relations of Bullying, Victimization, Identity, and Family with Adolescent Depressive Symptoms. *Journal of Youth and Adolescence*, 37(7), 772-782.
- Vaziri, S.H., Lotfi Kashani, F., Jamshidfar, Z., & Vaziri, Y. (2014). Brief report: the Identity style inventory-validation in Iranian college students. *Social and Behavioral Sciences*, (128), 316-320.
- Volk, A. A., Dane, A. V., & Marini, Z. A. (2014). What is bullying? A theoretical redefinition. *Developmental Review*, 34(4), 327-343
- White JM, Wampler RS, Winn KI. (1998). The identity style inventory: A revision with a sixth-grade reading level (ISI-6G). *Journal of Adolescent Research*, 13(2), 223-45.
- Zhang, H., Chi, P., Long, H., & Ren, X. (2019). Bullying victimization and depression among left-behind children in rural China: Roles of self-compassion and hope. *Child Abuse & Neglect*, 96, 104072.
- health-risk behaviors: Gender and socioeconomic differences. *Youth Studies Australia*, 21(2), 63-v4.
- Hsi-Sheng, W., Williams, J.H., Chen, J.K., Chang, H.Y. (2010). The effects of individual characteristics, teacher practice, and school organizational factors on students' bullying: A multilevel analysis of public middle schools in Taiwan. *Journal of Children and Youth Services Review*, 32, 137-143.
- Livingstone, Sonia., Stoilova, Mariya., Kelly, Anthony. (2016). *Cyberbullying: incidence, trends and consequences. In: Ending the Torment: Tackling Bullying from the Schoolyard to Cyberspace.* United Nations Office of the Special Representative of the Secretary-General on Violence against Children, New York, USA.
- Logan, D. E., Claar, R. L., Guite, J. W., Kashikar-Zuck, S., Lynch-Jordan, A., Palermo, T. M., ... Zhou, C. (2013). Factor Structure of the Children's Depression Inventory in a Multisite Sample of Children and Adolescents With Chronic Pain. *The Journal of Pain*, 14(7), 689-698.
- Lyndall, S., Wendy, C. & Andreim, R. (2014). Power Differentials in Bullying: Individuals in a Community Context. *Journal of Interpersonal Violence*, 29(5), 846-865.
- Kovacs, M. (1985). The Children's Depression, Inventory (CDI). *Psychopharmacol Bull*, 21(4), 995-8.
- Kroger, J., Martinussen, M., & Marcia, J. E. (2010). Identity status change during adolescence and young adulthood: A meta-analysis. *Journal of Adolescence*, 33(5), 683-698.
- Murray, C., & Zvoch, K. (2010). The Inventory of Teacher-Student Relationships: Factor Structure, Reliability, and Validity Among African American Youth in Low-Income Urban Schools. *The Journal of Early Adolescence*, 31(4), 493-525.
- Nansel, T.R., Overpeck, M., Pilla, R.S., Ruam, W. J., Simons-Morton, B., & Scheidt, P. (2001). Bullying behaviors among US youth: Prevalence and association with psychosocial adjustment. *Journal of American Medical Association*, 285, 2094-2100.
- Noorbala, A. (2012). Psychosocial health and strategies for improvement. *Iranian Psychiatry and Clinical Psychology*, 2(4), 151-156.
- Phillips, T.M., & Pittman, J.F. (2007). Adolescent psychological well-being by identity style. *Journal of Adolescence*, 30, 1021-1034.
- Reynolds, W.M. (2010). *Reynolds adolescent depression scale.* John Wiley and Sons, Inc.
- Sajjadi, H., Mohaqeqi Kamal, S. H., Rafiey, H., Vameghi, M., Forouzan, A. S., & Rezaei, M. (2013). A Systematic Review of the Prevalence and Risk Factors of Depression among Iranian Adolescents. *Global Journal of Health Science*, 5(3), 16-27.
- Smits, I., Doumen, S., Lijckx, K., Duriez, B., & Gooseens, L., (2011). Identity styles and Interpersonal behavior in emerging adulthood: The intervening role of empathy. *Social Development*, 20 (4), 665-684.